

بررسی رابطه حزب‌الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری و نواقعی‌گرایی

محسن باقری*
محمدعلی بصیری**

چکیده

هدف این تحقیق بررسی دلایل حمایت ایران از حزب‌الله و تأثیرات آن بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه‌های سازه‌انگاری و نواقعی‌گرایی است. از این‌رو این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که چرا جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان حمایت می‌کند؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله در راستای تأمین ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، یعنی امنیت فیزیکی و امنیت هویتی آن است. نتایج مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی حاکی از آن است که در عین ضروری بودن استفاده از دو نظریه برای تحلیل موضوع، با نظریه سازه‌انگاری و نواقعی‌گرایی به ترتیب می‌توان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد امنیت هویتی و امنیت فیزیکی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را از این رابطه تحلیل کرد.

واژگان کلیدی

سازه‌انگاری، نواقعی‌گرایی، امنیت ملی، امنیت فیزیکی، امنیت هویتی، سیاست خارجی، حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

تضمین امنیت ملی در نظام آنارشی بین‌المللی حیاتی‌ترین ارزش برای دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران

bagheri.m12@gmail.com

basiri360@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۴

*. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان.

** استادیار دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۵

است. یکی از بازیگران منطقه‌ای که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته بسیار اثرگذار بوده، حزب‌الله لبنان است. جنبشی که تقابل آن با رژیم اسرائیل آن را به یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه اخیر مبدل کرده است. با توجه به ادامه داشتن این رویارویی، اثرات آن از یک طرف بر رژیم اسرائیل و از سوی دیگر بر پشتیبان اصلی مقاومت اسلامی لبنان، یعنی جمهوری اسلامی ایران مشهود است. از این رو اهمیت بررسی رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ضروری است.

دیدگاه‌های مختلفی در خصوص چرایی حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله و نتایج آن بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران وجود دارد. عده‌ای دلیل این سیاست را صرفاً ملاحظات ایدئولوژیک دانسته و برخی نیز علت آن را ملاحظات امنیت فیزیکی دانسته‌اند. از این رو لازم است با استفاده از دو نظریه مطرح روابط بین‌الملل یعنی سازه‌نگاری و نواقح‌گرایی به عنوان یک ابزار، به تحلیل بهتر و کامل‌تر دلایل و نتایج اتخاذ این سیاست اقدام شود. در این راستا با استفاده از نظریه‌های سازه‌نگاری و نواقح‌گرایی به بررسی دلایل حمایت ایران از حزب‌الله و تأثیرات آن بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، یعنی امنیت فیزیکی که بیشتر مورد توجه نواقح‌گرایان است و امنیت هویتی و هستی‌شناختی که مورد نظر سازه‌نگاران است اقدام می‌شود.

از این رو این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که چرا جمهوری اسلامی ایران اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان حمایت می‌کند؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله در راستای تأمین ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، یعنی امنیت فیزیکی و امنیت هویتی آن است. برای بررسی فرضیه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، ابتدا به تبیین مفهوم امنیت ملی اقدام نموده، سپس به تبیین چارچوب نظری یعنی نظریات سازه‌نگاری و نواقح‌گرایی اقدام شده و در دو بخش بعدی به تفکیک به بررسی رابطه حزب‌الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با کمک نظریه سازه‌نگاری و نواقح‌گرایی اقدام می‌شود.

مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه متغیر وابسته مقاله، مفهوم امنیت ملی است برای پی بردن به آن به توضیح این مفهوم و دو بُعد آن، یعنی امنیت فیزیکی و امنیت هویتی می‌پردازیم.

امنیت ملی^۱

شورای امنیت ملی آمریکا، امنیت ملی را به معنای صیانت از جامعه به منظور جلوگیری از آسیب دیدن نهادها و ارزش‌های اساسی تعریف می‌کند. (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۲ - ۴۹)

تراگر و سیمونی^۲ نیز امنیت ملی را در برگیرنده آن قسمت از سیاست دولت می‌دانند که هدف آن، ایجاد

1. National Security.
2. Trager and Simone.

شرایط مطلوب سیاسی ملی و بین‌المللی به منظور حفظ یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی علیه دشمنان موجود و بالقوه است. از نظر باری بوزان^۱ نیز امنیت ملی دارای ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴ - ۳۲)

امنیت هستی‌شناختی، هویتی یا وجودی نه تنها بیانگر این مسئله است که چرا دولت‌ها اهداف «غیرمادی» را در سیاست خارجی خود خواستارند بلکه این موضوع را توضیح می‌دهد که چگونه دولت - ملت‌ها قوای نظامی خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که نیازهای هویتی آنها را بیش از نیازهای امنیتی «فیزیکی» صرف تأمین کند. (استیل، ۱۳۹۰: ۲۲۴) در حالی که امنیت فیزیکی را می‌توان تلاش برای کسب قدرت و ثروت و تأمین بقا و امنیت دانست، ولی امنیت وجودی حتی از امنیت فیزیکی هم مهم‌تر است؛ زیرا تأمین آن، هویت دولت و حتی وجود فیزیکی آن را تحکیم می‌کند. (همان: ۱۶ - ۶)

از این‌رو، در این مقاله امنیت ملی حاصل تلاش دولت برای ایجاد شرایط لازم به منظور حفاظت و گسترش ارزش‌های حیاتی و هویت یک دولت - ملت از هرگونه تهدید و عدم احساس تهدید در عرصه ملی و بین‌المللی است که در برگزیده امنیت فیزیکی و امنیت هویتی است. مرجعیت امنیت در این مفهوم نیز دولت - ملت است.

چارچوب نظری

یکی از مواردی که در ابتدا برای هر محقق برای تحلیل روابط بین متغیرها الزامی است، تعیین سطح تحلیل است. از نظر بوزان، مجموعه مهمی از کارکرد امنیت در سطح منطقه‌ای واقع است و بدون درک این سطح، وضعیت امنیتی دولت‌های منطقه به طور صحیح درک نخواهد شد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۶ - ۲۱۲) از این رو با انتخاب سطح تحلیل منطقه‌ای و پس از بررسی رویکرد نظریه‌های سازه‌انگاری و نواقح‌گرایی در خصوص امنیت، به عنوان چهارچوب نظری این مقاله، به تحلیل رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۱. نظریه نواقح‌گرایی^۲

کنت والتز^۳ در کتاب *نظریه سیاست بین‌الملل* به عنوان منبع اصلی نظریه نواقح‌گرایی، با رویکردی سیستمی به تحلیل نظام بین‌الملل اقدام می‌کند. وی از سه اصل نظم دهنده (آنارشی یا سلسله مراتبی)، ماهیت واحدها (دارای کارکردهای مشابه) و توزیع توانایی‌ها، برای تحلیل سیستم سیاسی بین‌الملل استفاده می‌کند. (والتز، ۱۳۹۲: ۳۳۸) از نظر والتز از این سه اصل، دو عنصر آن ثابت است که یکی آنارشی است که به علت نبود قدرت فائحه مرکزی وجود دارد و دیگری اصل خودیاری است؛ به این معنی که در سیستم آنارشی، تمامی واحدها از لحاظ کارکردی شبیه به هم بوده و نگران بقای خود هستند و امنیت مهم‌ترین ارزش است. تنها اصل قابل تغییر نیز، توزیع توانایی

1. Barry Buzan.
2. Neo Realism.
3. Kenneth Waltz.

واحدهاست؛ به این معنی که دولت‌ها در کارکرد، از لحاظ توانمندی بسیار با هم متفاوتند. (همان: ۲۰۴ - ۱۷۱)

نواقح گرایان را با توجه به دیدگاه متفاوت آنها در خصوص مطالعات امنیتی، به دو گروه مهم تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌کنند. نواقح گرایان تدافعی مانند والتز و جوزف گریگو^۱ معتقدند دولت‌ها امنیت را هدف اصلی خود می‌دانند و به دنبال میزان مناسبی از قدرت هستند که بقای آنها را تضمین نماید. در حالی که از نظر نواقح گرایان تهاجمی مانند جان مرشایمر^۲ هدف نهایی همه دولت‌ها دستیابی به جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل است. از این رو دولت‌ها همواره به دنبال قدرت بیشتر هستند و حتی اگر شرایط مناسب باشد خواستار آن هستند که توزیع موجود قدرت را تغییر دهند؛ حتی اگر چنین عملی امنیت آنها را به خطر اندازد. از این رو رقابت برای قدرت همواره شدید است؛ زیرا دولت‌های تجدیدنظرطلب و آنهايي که خواهان بهبود وضعیت خود در نظام بین‌الملل و کسب جایگاه هژمونیک هستند همواره این خطر را می‌پذیرند. (دان و اشمیت، ۱۳۹۲: ۳۴۷ - ۳۴۴)

مرشایمر در کتاب *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، نواقح گرای تهاجمی خود را مبتنی بر پنج فرض می‌داند: نظام بین‌الملل آنارشیک است؛ قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای حدى توانایی‌های نظامی تهاجمی هستند که به آنها توان صدمه زدن و یا انهدام سایرین را می‌دهد؛ دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیات یکدیگر مطمئن باشند؛ تضمین بقا اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ است و قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلایی هستند. از این رو قدرت‌های بزرگ از یکدیگر می‌ترسند و امنیتشان تنها می‌تواند به خود آنها متکی باشد و بهترین راهبرد تضمین کننده بقا برای دولت‌ها بیشینه‌سازی قدرت نسبی خودشان است. (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۴۲ - ۳۴)

از نظر مرشایمر، رهبران کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را اتخاذ کنند که دشمنان بالقوه آنان را تضعیف نماید و قدرت آنها را نسبت به سایر دولت‌ها افزایش دهد. (لمی، ۱۳۹۲: ۴۲۱ - ۴۱۴)

نواقح گرای تدافعی با مطرح کردن توازن آفند - پدافند، معتقد است در دنیای کنونی ایجاد توازن در برابر رفتار تجدیدنظرطلبانه دشوار نیست. نواقح گرای تدافعی با تلفیق عقلانیت و نوعی توازن آفند - پدافند که کفه پدافند آن می‌چربد پیش‌بینی می‌کند که دولت‌ها از وضعیت موجود پشتیبانی خواهند کرد؛ زیرا پاسخ مناسب به قدرتی که تهدید کننده باشد برقراری توازن است و توازن نیز نتیجه‌بخش است. معروف‌ترین روایت از نواقح گرای تدافعی، نظریه توازن تهدید استفن والت^۳ است. به نظر وی دولت‌ها در شرایط اقتدارگریزی برای حفاظت از خودشان اتحادیه تشکیل می‌دهند و رفتار آنها را تهدیدهایی که احساس می‌کنند، تعیین می‌کند و قدرت دیگران تنها یکی از عناصر مطرح در محاسبات دولت‌هاست. والت معتقد است دولت‌ها بر حسب قدرت نسبی، نزدیکی مکانی و نیات دیگر دولت‌ها و توازن آفند - پدافند تهدیدهایی

1. Joseph Grieco.
2. John Mearsheimer.
3. Walt Stephen.

که دولت‌های دیگر مطرح می‌سازند را ارزیابی می‌کنند و در نهایت اینکه چون برقراری توازن، امری رایج است رفتار تجدیدنظرطلبانه نیز با شکست مواجه می‌شود. (المن، ۱۳۹۰: ۶۲ - ۶۱)

۲. نظریه سازه‌انگاری^۱

فرض محوری مشترک میان تمامی رویکردهای سازه‌انگارانه به امنیت، تلقی آن به عنوان برساخته‌ای اجتماعی است. تد هوف،^۲ به‌عنوان یک برساز معتقد است رهبران سیاسی دولت‌ها بر اساس برداشت‌هایی که از هویت دارند دیگر دولت‌ها را به عنوان دوست یا دشمن مشخص می‌کنند. اذعان سازه‌انگاری به موضوعیتی که هویت برای امنیت دارد منجر به این فرض مشترک در آنها شده است که عوامل غیرمادی یا اندیشگانی مانند هنجارها، جایگاهی محوری در برسازای امنیت و رویه‌های امنیت در سیاست جهان دارند. (مک دونالد، ۱۳۹۰: ۱۲۰ - ۱۱۹)

علی‌رغم اعتقاد همه برسازان به محوریت هویت در ساخته و پرداخته کردن امنیت، ولی انواع سازه‌انگاری، یعنی متعارف و انتقادی، نظرات کاملاً متفاوتی درباره رابطه میان هویت و امنیت دارند. از نظر برسازان متعارف مانند الکساندر ونت،^۳ مسئله اصلی این است که چگونه هویت ملی به تعیین محتوای منافع یک دولت و بنابراین شیوه عمل آن در سیاست جهان کمک می‌کند. در اینجا هویت چیزی است که می‌توان با تحلیل، کشف و برملاش کرد. در حالی که از نظر برسازان انتقادی مانند مایکل بارت،^۴ مسئله اصلی در پرداختن به هویت این است که چگونه روایت‌هایی از هویت ملی در یک بستر خاص غلبه پیدا می‌کنند. این به نوبه خود کمک می‌کند تا برای اقدام سیاسی مشروع و شدنی حد و مرزهایی قائل شد. در اینجا هویت ذاتاً ناپایدار، مشروط و کانون رقابت مستمر است. از این جهت بازنمایی‌های صورت گرفته از امنیت و تهدید می‌تواند اهمیت محوری داشته باشد. (همان: ۱۲۴ - ۱۲۳)

رویکرد سازه‌انگاری اجتماعی که بیشتر در آثار ونت دیده می‌شود، برخلاف نواقح‌گرایان معتقد است ساختارهای بنیادین سیاست بین‌الملل محصول روابط اجتماعی هستند نه مادی، از این رو تغییر تفکر ما در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به فراهم شدن زمینه امنیت بیشتر بین‌المللی گردد؛ زیرا ساختارهای اجتماعی تا حدودی به وسیله ادراکات، انتظارات یا دانش مشترک تعریف می‌شوند. (بیلیس، ۱۳۹۲: ۵۹۱ - ۵۸۸)

ونت با قبول ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، معتقد است چیزی به عنوان منطق آنارشی وجود ندارد و «آنارشی چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند». (ونت، ۱۳۹۲: ۴۵۳ - ۴۵۱) از نظر ونت، انگاره‌ها هستند که بر شرایط مادی معنا می‌دهند نه بالعکس، و از این رو در سیاست بین‌الملل باید به انگاره‌های دولت و

1. Constructivism.
2. Ted Hopf.
3. Alexander Wendt.
4. Barnett Michael.

منافعی که این انگاره‌ها به آن شکل می‌دهند توجه کرد. (همان: ۳۷۷ - ۳۶۱) از نظر وی هویت در اصل، یک ویژگی ذهنی یا در سطح واحد است که مبتنی بر نقش است و ریشه در فهم کنشگر از خود و سایر کنشگران از وی دارد. (همان: ۲۳۲ - ۲۲۶)

سازهانگاری معتقد است که امروزه امنیت دیگر به شرایط مادی بیرونی دلالت نمی‌کند و تبدیل به مفهومی اجتماعی، بیناذهنی و معنایی شده که از بعد هویتی و هستی‌شناسی برخوردار است. از نظر میتزن^۱ به‌عنوان یک سازهانگار، برخلاف آنچه واقع‌گرایان می‌گویند، دولت‌ها تنها در پی به دست آوردن و حفظ امنیت فیزیکی خود نیستند، بلکه در صدد کسب امنیت هستی‌شناسانه و یا امنیت هویتی خود نیز هستند. (آقائی و رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۳۳ - ۳۲)

بررسی رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری

اگر برای امنیت دو بعد امنیت فیزیکی و امنیت هستی‌شناختی یا هویتی در نظر گرفته شود، امنیت هستی‌شناختی مبتنی بر نظریه سازهانگاری است. از این رو هرگونه تعریف و تعیین رفتار سیاست خارجی و امنیتی ایران متأثر از هویت جمهوری اسلامی ایران و متغیرهای تشکیل دهنده این هویت است. این متغیرها بر تصمیم‌های کارگزاران سایه افکنده و بر تهدید و امنیت وجودی کشور تأثیر می‌گذارد. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۸۵ - ۵۵)

هویت به معنای شخصیت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران در کانون مفهوم امنیت هستی‌شناختی است. از این رو درک این بعد از امنیت مستلزم تبیین و بررسی هویت و ماهیت این نظام است. با توجه به اهمیت هویت اسلامی در بین سایر عناصر هویت‌ساز هویت جمهوری اسلامی ایران، یعنی ایرانی، انقلابی و غیرمتعهد، می‌توان ادعا کرد که سایر مؤلفه‌های هویتی در زیرمجموعه اسلامی بودن جای می‌گیرند. امنیت هویتی ایران نیز به شدت به حفظ انقلابی بودن آن، انجام رفتارهای تثبیت و تقویت‌کننده هویت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران و تأمین‌کننده امنیت هستی‌شناسی آن وابسته است. این واقعیت‌ها ایران اسلامی و انقلابی را بر آن داشته است حتی به قیمت تهدیدات امنیتی فیزیکی به تصدیق و دفاع از هویت خود برخیزد. از این رو می‌توان هویت جمهوری اسلامی ایران را همان‌گونه که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز آمده است: «ایران کشوری ... با هویت اسلامی و انقلابی ...» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۸ - ۵۳) در اسلامی - انقلابی بودن خلاصه کرد.

هنجارهای سازنده هویت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران نیز از دو منبع و نظام معنایی بیناذهنی سرچشمه می‌گیرند: اسلام‌گرایی شیعی و انقلابی‌گری. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۸۵ - ۵۵)

از این رو مطالعه چگونگی تأمین امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریات مادی‌گرا که دایره علل و عوامل تهدید این نظام سیاسی را در دایره عواملی مانند امنیت فیزیکی خلاصه می‌کنند

1. Mitzen.

بسیار دشوار است؛ زیرا در بسیاری از مواقع، اولویت اهداف سیاست خارجی ایران بیشینه‌سازی امنیت هویت است. از این رو برای درک و تحلیل نوع مقابله ایران با اسرائیل (و حمایت از حزب‌الله) می‌توان از امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی بهره گرفت؛ زیرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تأثیر سیاست هویتی است. (همان: ۱۴ - ۱۳)

سازهانگاری و مبانی بینادذهنی قوام دهنده امنیت هویتی ج.ا.ا در رابطه با حزب‌الله

برای شناخت و پیش‌بینی اقدامات و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوعات مختلف از جمله حزب‌الله، نیازمند شناخت منابع و مبانی معنایی و بینادذهنی قوام دهنده به هویت این دولت هستیم؛ زیرا از نظر سازهانگاری مهم‌ترین عامل تکوین دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، منابع معنایی قوام‌بخش آن در سطح داخلی است. هویت انقلابی - اسلامی با ایجاد و تعریف نقش‌های خاص برای دولت ایران، رفتار، جهت‌گیری و تجویزات سیاست‌گذارانه خاصی را برای آن در سطح نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۵)

در ادامه به بررسی آن دسته از مبانی ذهنی معنایی قوام دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود که با تعریف نقش خاصی برای این دولت، رفتار و جهت‌گیری خاص آن را در خصوص حزب‌الله موجب شده است و منجر به تأمین امنیت هویتی آن نیز شده است. در این راستا به تفکیک تأثیر هویت اسلامی و انقلابی ایران در این خصوص پرداخته می‌شود.

۱. هویت اسلامی

مبانی بینادذهنی امنیت هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران که بر اتخاذ سیاست حمایت از حزب‌الله تأثیرگذار بوده شامل اسلام‌گرایی سیاسی، امت‌گرایی و عدالت‌طلبی است.

۱ - ۱. اسلام‌گرایی سیاسی

ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به جمهوری اسلامی ایران و تعیین‌کننده ماهیت و هویت آن، اسلام سیاسی یا اسلام شیعی است. با توجه به احتمال بودن بروز یک تعارض فکری در قالب نوعی جنگ ایدئولوژیک میان جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران نظام بین‌الملل که بر ایدئولوژی متمایزی استوارند، تلاش برای کنترل و مهار جمهوری اسلامی ایران به عنوان سردمدار اسلام‌گرایی سیاسی معارض در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای شدت می‌گیرد؛ زیرا مهار جمهوری اسلامی ایران به مثابه جلوگیری از گسترش اسلام سیاسی است. از این رو جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی در تلاش است اسلام سیاسی را احیا و با بازیگری به نام «اسرائیل» که نیروی اصلی مهارکننده اسلام سیاسی (در سطح فکری و عملی) است مبارزه کند. حتی در برداشت جمهوری اسلامی، در این میدان کارزار، آمریکا نیز آلت دست این رژیم است. از این رو مبارزه با

اسرائیل تلاش برای حفظ و استمرار اسلام سیاسی است که آن رژیم مترصد از بین بردن آن است. این منازعه نیز نه تنها حالت سلبی ندارد، بلکه برای تأمین منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران ضروری است. در حقیقت، برخلاف دیدگاه واقع‌گرایی محض، ایران در مقابل تقابل فکری و سیاسی شکل‌گرفته، در جهت حفظ امنیت خود، رهیافتی عقلانی اتخاذ نموده است؛ زیرا برای حفاظت از انگاره‌های اسلامی و فکری به مقابله با یکی از عوامل امنیت‌زدا و تهدیدکننده خود می‌پردازد. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۲۲۵ - ۲۲۳)

از این رو حمایت ایران از حزب‌الله باعث تقویت جایگاه حزب‌الله در جامعه شیعیان لبنان شده و آن را به یک بازیگر در نظام سیاسی لبنان و نماد مقاومت علیه اسرائیل در منطقه تبدیل کرده است و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که حزب‌الله از مبارزه مسلحانه با اسرائیل دست بکشد و تنها به جنبشی سیاسی تبدیل شود. (آدیس، ۱۳۹۰: ۲۸۰)

در این جهت می‌توان حمایت از حزب‌الله را در قالب بقای ایدئولوژی اسلامی به معنای صیانت از ارزش‌ها، قواعد، سنت‌ها و فرهنگ اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تحلیل کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۴ - ۲۳) بنابراین حمایت ایران از حزب‌الله که به مقابله با رژیم اسرائیل می‌پردازد در راستای تقویت امنیت هویت اسلامی و در جهت حفظ و گسترش اسلام سیاسی برآمده از مردم‌سالاری دینی، به منظور تأمین امنیت هویتی و فیزیکی ایران است.

۱ - ۲. امت‌گرایی

فرهنگ و هویت اسلامی ایران نظام بین‌الملل را مرکب از واحدهای ملی نمی‌بیند، بلکه از نظر ایمانی جهان را به دو قلمرو دارالکفر و دارالاسلام یا استکبار و استضعاف تقسیم می‌کند. از این منظر نظام بین‌المللی حاضر، به سبب ناشی بودن از دگرگونی‌های تاریخی که قدرت‌های غربی نقش زیادی در ایجاد آن داشته‌اند، فاقد مشروعیت لازم از نظر ایمانی دانسته شده است؛ زیرا مغایر با ایده دارالسلام و دارالکفر می‌باشد و تلاش برای ایجاد امت اسلامی واحد، در آینده در سطح نظام جهانی با توجه به گسترش اسلام می‌بایست انجام شود. (همان: ۲۲ - ۲۱)

از این رو آنچه منطبق رفتار ایران را در برابر رژیم صهیونیستی از خود متأثر می‌کند نگاه متفاوت به امت و ملت در سیاست خارجی است. بر اساس دیدگاه اسلام، اعتقاد و باور به دین اسلام است که به جامعه اسلامی هویت مشترک می‌دهد نه مرزبندی سیاسی در قالب دولت - ملت. در این راستا، اسلام نظامی جهان‌شمول است که در آن، حمایت از مسلمانان که اعضای امت اسلامی هستند اهمیت ویژه‌ای دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک دولت اسلامی متعهد به دفاع از حقوق مسلمانان است. از این رو مخالفت و منازعه با رژیم اسرائیل که بخش مهمی از سرزمین اسلامی در فلسطین و جنوب لبنان (مزارع شبع) را اشغال کرده است ادامه می‌یابد. ایران از پیگیری منازعه با رژیم صهیونیستی یک هدف استراتژیک دارد و آن هم پایدار بودن تصویری است که در سطح نظام بین‌الملل و امت اسلامی از خود برجای گذاشته است.

حمایت از مردم فلسطین (و شیعیان لبنان) در برابر رژیم اسرائیل بخشی از روابط بین‌الملل اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است. اگر این واکنش تغییر یابد ناامنی هویتی برای جمهوری

اسلامی پیش می‌آورد. بنابراین باید گفت سیاست ایران در قبال اسرائیل (و حمایت از حزب‌الله) در جهت بیشینه‌سازی ارزش‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی است و نه بیشینه‌سازی صرف مادیات. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۲۲۹ - ۲۲۸)

تأکید حزب‌الله بر منازعه با اسرائیل نیز نشان‌دهنده اندیشه کاملاً عمل‌گرایانه آن است؛ زیرا مبارزه با اسرائیل همواره موضوع وحدت‌بخش در سیاست جهان عرب (و جهان اسلام) بوده است. (هرزان، ۱۳۹۰: ۲۵۱) از این رو یکی از ابعاد مبارزه با اسرائیل از سوی حزب‌الله نیز تأکید بر امت اسلامی است. پس حمایت از حزب‌الله را می‌توان نشان دهنده هویت امت‌گرای جمهوری اسلامی ایران و تأمین‌کننده امنیت هویتی آن تلقی کرد.

۱ - ۳. عدالت‌طلبی

از جمله اصول تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حزب‌الله، عدالت‌طلبی است. این امر نیز ناشی از آن است که بر اساس هنجارهای موجود در متون مذهب تشیع، واحد تحلیل نه دولت، بلکه امت اسلامی است؛ زیرا از جمله هنجارهای مورد تأکید این مذهب، عدالت‌طلبی است که به نوعی ارزش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است، یکی از بازتاب‌های عملی آن را می‌توان در حمایت از مسلمین جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش و به طور ویژه حمایت از حزب‌الله مشاهده کرد که از نظر نظام سلطه در تقابل کامل با امنیت اسرائیل است. (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۲۲)

عنصر عدالت‌طلبی در شکل‌بخشی به هویت اسلامی ایران نقش تعیین‌کننده داشته است و در سیاست خارجی به عنوان یک قاعده، هویت جمهوری اسلامی ایران را به منزله دولتی عدالت‌جو و عدالت‌گر شکل داده است. بازتاب این امر در حمایت از جنبش‌های عدالت‌خواه و مستضعفین جهان نمود پیدا کرده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۳ - ۲۲)

در این راستا باید گفت ظلم و ستم رژیم اسرائیل به شیعیان جنوب لبنان در حملات متعدد به آن کشور در سال‌های ۱۹۸۲ که منجر به اشغال طولانی مدت آن شد و جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ میلادی که باعث کشته شدن تعداد زیادی از شیعیان لبنان شد در کنار اشغال فلسطین و حملات متعدد به غزه منجر به این شده است که جمهوری اسلامی با توجه به آرمان عدالت‌طلبی شیعی به حمایت از حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطینی و منازعه با رژیم غاصب اسرائیل ادامه دهد که این امر در تأمین امنیت هویتی جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بوده است. از این رو مقابله جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و حمایت از حزب‌الله، اقدامی عدالت‌طلبانه است که رهبران ایران نیز هراسی از گفتن آن ندارند. در این راستا می‌توان به موضع قاطع مقام معظم رهبری اشاره کرد که فرمودند:

صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم

صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰)

۲. هویت انقلابی

مبانی بینادهدنی امنیت هویت انقلابی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حزب‌الله شامل: ساختار شکنی از ترتیبات حاکم بر نظام بین‌المللی، صدور انقلاب و مقاومت و استکبارستیزی است.

۲-۱. ساختار شکنی از ترتیبات حاکم بر نظام بین‌المللی

سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران در ابتدای انقلاب، درصدد بازتعریف تعاملات در سطح نظام بین‌الملل و ساختار شکنی از ترتیبات حاکم بر نظام بین‌المللی موجود برآمدند. بدیهی است که اگر جمهوری اسلامی خواهان شکل‌گیری امت واحد جهانی است بایستی نظم مادی و معنایی کنونی را که از مهم‌ترین موانع است برهم زند و بنیادی نو ایجاد کند. بر اساس اصل عدالت نیز، نظام بین‌الملل موجود ناعادلانه است؛ زیرا این نظام بر اثر توزیع نابرابر قدرت و سلطه قدرت‌های بزرگ و در رأس آن آمریکا، به وجود آمده است. از این رو جمهوری اسلامی نظم حاکم بر جهان را رد می‌کند و ادعای ارائه نظام بین‌المللی انسانی‌تری می‌کند. در این جهت بود که ایران برای تغییر ساختارهای نظام بین‌الملل از طریق صدور ارزش‌های اسلامی و انقلابی به تغییر نظام معنایی و در مرحله بعد تغییر نظام مادی بین‌المللی اقدام کرد. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۷۸ - ۸۲)

جنبش حزب‌الله با الهام از افکار امام خمینی معتقد است ولی فقیه باید بالاترین قدرت سیاسی را داشته باشد. این پیوند فکری با ایران، موضع‌گیری ایدئولوژیک حزب‌الله را هدایت می‌کند و دربردارنده ماهیت منازعه با اسرائیل، روابط با سایر مسلمانان و دیدگاه نسبت به جهان غرب است. حزب‌الله به مفهوم تقسیم جهان به دو بخش مستکبران و مستضعفان پایبند است. این جنبش، آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند. حزب‌الله معتقد است سیاست آمریکا در خاورمیانه، سیاستی اسراییلی است. اسراییل نوک پیکان آمریکا در منطقه است و آمریکا ابزار اسراییل است. حزب‌الله با این تصور، آمریکا را سردمدار تروریسم دولتی در جهان می‌داند. (حجار، ۱۳۹۰: ۲۲۷ - ۲۲۲) بنابراین، به خوبی می‌توان نزدیکی ایدئولوژیک ایران و حزب‌الله در نامطلوب بودن نظم جهان و ساختار شکنی از آن را درک کرد.

حزب‌الله در لبنان به لحاظ ایدئولوژیک از ابتدا خود را به دو ایده اصلی متعهد کرده است: از بین بردن نظام طایفه‌ای و بنیان نهادن یک نظم مطلوب اسلامی. علی‌رغم به رسمیت نشناختن مشروعیت نظام لبنان توسط حزب‌الله، حضور این جنبش از سال ۱۹۸۹ در نهادهای سیاسی لبنان به منظور ارتقاء منافع جامعه شیعه و حمایت از سازمان نظامی خود بوده است. ولی هدف طولانی‌مدت ایدئولوژیک حزب‌الله ایجاد یک نظام اسلامی و به دست گرفتن قدرت دولت توسط شیعیان است. این جنبش با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی حداکثرگرایی را که به دنبال نابودی «موجودیت صهیونیسم» است با آغوش باز پذیرفته است.

سیدحسین نصرالله دبیرکل این جنبش از ابتدای رهبری این جنبش در سال ۱۹۹۲ خواستار مبارزه با رژیم صهیونیستی، به عنوان بنیان ایدئولوژیکی اساسی‌اش شده است. (هزران، ۱۳۹۰: ۲۵۲ - ۲۴۴)

این امر ماهیت ساختارشکن و غرب‌ستیز این جنبش و نزدیکی عمیق ایدئولوژیک آن را با جمهوری اسلامی ایران ثابت می‌کند. با توجه به وقوع بحران در سوریه و تلاش متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رژیم اسرائیل و آمریکا برای مقابله با محور مقاومت با استفاده از گروه‌های سلفی مانند داعش، حمایت ایران از حزب‌الله برای تغییر وضع موجود از اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است.

۲-۲. صدور انقلاب

از ابتدای انقلاب مهم‌ترین مخاطبان استراتژی صدور انقلاب، جنبش‌های انقلابی و ملت‌های مستضعف منطقه بودند. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۸۱) از این رو وقوع انقلاب اسلامی نقطه عطفی در توسعه روابط خارجی جامعه شیعیان لبنان بود که مانند سایر مذاهب لبنان به دنبال حامی بیرونی بودند. این امر باعث شد که پیوند شیعیان لبنان با ایران عملاً از سال ۱۹۷۹ میلادی افزایش یابد و به نام ایدئولوژی اسلامی ضدغربی مشروعیت یابد. پس از تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ حمایت ایران از جامعه شیعیان با تشکیل حزب‌الله به اوج خود رسید. به طور مسلم، حزب‌الله را می‌توان تأثیر نمونه انقلاب اسلامی تلقی نمود؛ زیرا این انقلاب به تشکیل ساختار سازمانی و شکل‌گیری ایدئولوژیک آن کمک کرده است. هر چند حمایت ایران از حزب‌الله بر پایه پیوندی ایدئولوژیک و دینی بود ولی با حمایت مالی، نظامی و سیاسی همراه شد. (هزران، ۱۳۹۰: ۲۵۳ - ۲۵۲)

برای تبیین تأثیر اصل صدور انقلاب در تقویت امنیت هویت انقلابی جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ سیاست حمایت از حزب‌الله، برای نمونه می‌توان به جنگ ۳۳ روزه اشاره کرد؛ زیرا تهاجم نظامی رژیم اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۳۸۵، به منظور نابودی و یا حداقل خلع سلاح حزب‌الله یکی از تحولات منطقه‌ای بود که به دلایلی چند، در تقویت و تثبیت الگوی صدور انقلاب و هویت انقلابی جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

اول؛ این جنگ به عنوان مصداق جنگ حق و باطل، موجب شد مواضع (و اقدامات) ضداسرائیلی جمهوری اسلامی ایران نه تنها هویت انقلابی - اسلامی آن را به عنوان یک دولت عادل اسلامی تثبیت نماید بلکه ضمن فراهم آوردن فرصت لازم برای معرفی آموزه‌های انقلاب اسلامی به سایر ملت‌ها، الهام‌بخش آنها و گروه‌های اسلامی برای مبارزه با رژیم اسرائیل گردیده است.

دوم؛ نقش «حامی جنبش‌های اسلامی» و «مدافع مسلمانان» نیز در اثر مواضع جمهوری اسلامی نسبت به جنگ تثبیت و تقویت شد؛ به گونه‌ای که رسالت جهانی جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، مستلزم حمایت از حزب‌الله بود که خود مولود و بازتولیدکننده گفتمان انقلاب اسلامی در لبنان محسوب می‌شود.

سوم؛ این جنگ به معنای فراگیری گفتمان مقاومت در منطقه تلقی گردید که از مقاومت ایران در برابر آمریکا و نظام سلطه الهام گرفته است. تحولی که به معنای تضعیف گفتمان سازش و مصالحه با رژیم اسرائیل تحلیل و تفسیر شده است. (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۴۴ - ۱۴۳)

بر اساس این رویکرد بود که جمهوری اسلامی ایران در ابتدای انقلاب به منظور نفوذ در جهان عرب از ورود به لبنان و دومین جمعیت بزرگ شیعی آن کمک گرفت و با ایجاد و قدرت‌گیری جنبش حزب‌الله به شکل عملی آموزه‌های انقلاب را پیاده کرد. نتیجه این وضعیت در کنار عدم پذیرش مشروعیت رژیم اسرائیل شروع رویارویی غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران با این رژیم در پرتو حمایت‌های مختلف از حزب‌الله بود.

۳ - ۳. مقاومت و استکبارستیزی

یکی از گفتمان‌هایی که بر سیاست امنیتی ایران در قبال حزب‌الله سایه افکنده گفتمان مقاومت و ضدسلطه است. این گفتمان از نظر مذهبی بر قاعده فقهی «نفی سبیل» استوار است. در این راستا می‌توان حمایت ایران از اعضای محور مقاومت از جمله حزب‌الله و سوریه و مقابله با نظام سلطه را با این دید تفسیر نمود که این امر به ایران هویت دولت مستقل را می‌دهد. از این جهت است که ایران برای تثبیت استراتژی ضدسلطه‌اش به دنبال همکاری و ائتلاف با نیروهای ضد رژیم چه در سطوح دولتی و غیردولتی در سطح نظام بین‌الملل است. (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۷۳ - ۷۲)

زیرا گفتمان انقلابی ایران ضمن آنکه از ابتدای انقلاب گفتمان مسلط جهانی را به چالش طلبیده است، نظم حاکم بر مناسبات و روابط بین‌المللی را تهدید کرده و کانون‌های مقاومت را در برابر قدرت هژمونیک جهانی بسیج و متغیرهای بی‌بدیلی را به کالبد سیاست بین‌الملل تزریق نموده است. در این جهت حفظ هویت استکبارستیز جمهوری اسلامی ایران نیز بسیار حیاتی است. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ۸۱ - ۷۷)

ترجمان عینی و عملی استکبارستیزی، رویارویی با آمریکا به عنوان نوک پیکان سلطه‌گری و استکبار از یک طرف و حمایت از آرمان فلسطین (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱ الف: ۵۱۸) و مقابله با رژیم اسرائیل از سوی دیگر است. در این رویکرد حمایت از حزب‌الله به عنوان کانون برجسته مقاومت و جنبش شیعی مجاور و در حال مبارزه با اسرائیل، یعنی متحد استراتژیک آمریکا از اهمیت فراوانی در تثبیت هویت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت مقاوم و انقلابی در نظام بین‌الملل برخوردار است.

بررسی رابطه حزب‌الله با امنیت ملی ج.ا.ا از منظر نواقع‌گرایی (تهاجمی و تدافعی)

در چارچوب نواقع‌گرایی، رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تابعی از ویژگی‌های موقعیتی و جایگاه نسبی قدرت آن در نظام بین‌الملل آنارشیک، موازنه قوای بین‌المللی و منطقه‌ای و در رابطه با سایر کشورهاست. به گونه‌ای که الگوی رفتار ستیزشی، رقابتی و همکاری‌جویانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی برپایه این سه متغیر الگویی، قابل تحلیل و تبیین می‌باشد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران به دنبال

تأمین امنیت ملی خود از طریق حفظ و افزایش قدرت نسبی‌اش است. پیگیری این هدف از نظر نواقعی‌گرایی تدافعی به توازن‌بخشی و موازنه‌سازی و از منظر نواقعی‌گرایی تهاجمی به بیشینه‌سازی قدرت و هژمونی‌طلبی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران می‌انجامد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ب: ۴۷)

برای بررسی و تحلیل رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، لازم است نگاه نواقعی‌گرایی به رابطه امنیت ملی این نظام سیاسی با حزب‌الله از منظر دو نحله تهاجمی و تدافعی نواقعی‌گرایی تبیین گردد. با توجه به تأثیرات عینی سیاست حمایت از حزب‌الله بر ارتقای بعد فیزیکی امنیت ملی از نواقعی‌گرایی در تحلیل این ارتباط استراتژیک بین این دو بازیگر بهره گرفت.

۱.۱. نواقعی‌گرایی (تهاجمی و تدافعی) و رابطه حزب‌الله با امنیت فیزیکی، امنیت ملی ج.ا.ا.

از آنجا که در اتخاذ سیاست حمایت از حزب‌الله از سوی جمهوری اسلامی ایران ملاحظات امنیت ملی (امنیت فیزیکی) نیز در این امر به اندازه ملاحظات ایدئولوژیک تأثیرگذارند و سازه‌انگاری در این خصوص اظهار نظر نمی‌کند، بایستی از رویکرد دیگری بهره گرفت. با توجه به تأثیرات منفی عمیق اقدامات حزب‌الله بر امنیت ملی اسرائیل و در مقابل، اثرات مثبت آن بر ابعاد نظامی، سیاسی امنیت ملی ایران می‌توان از نگرش نواقعی‌گرا نیز استفاده نمود؛ زیرا حزب‌الله در حال رویارویی با اسرائیل، یعنی بازیگر متخاصم در برابر ایران است و به علت وجود ارتباط خاص بین جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله، هرگونه تغییر جایگاه این جنبش در برابر اسرائیل ضمن تحت تأثیر قرار دادن امنیت ملی رژیم اسرائیل، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار است؛ زیرا بین این دو بازیگر، یعنی ایران و اسرائیل رابطه معکوس وجود دارد؛ به این صورت که هر چقدر در اثر حضور و اقدامات حزب‌الله در برابر اسرائیل، تأثیرات مثبتی بر مؤلفه‌های تعیین‌کننده امنیت ملی ایران وارد شود به همان میزان منجر به اثرگذاری منفی بر مؤلفه‌های امنیت ملی اسرائیل می‌گردد؛ یعنی جنبش حزب‌الله به عنوان یک متغیر مداخله‌گر بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار است. (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۵ - ۱۲۴)

بررسی رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان با هر دو نوع مفروضات نواقعی‌گرایی تهاجمی و تدافعی بررسی کرد. البته این امر را بهتر می‌توان با نواقعی‌گرایی تهاجمی تحلیل نمود. از این‌رو، اقدامات ایران در اینجا در قالب سه متغیر اصلی امنیتی نواقعی‌گرایی، یعنی بیشینه‌سازی قدرت، تضمین امنیت و بقا و موازنه‌سازی بررسی می‌شود.

۱. بیشینه‌سازی قدرت

براساس نواقعی‌گرایی تهاجمی دولت‌ها در نظام بین‌الملل آنارشیک همواره به دنبال افزایش قدرت نسبی خود و کاهش قدرت رقبای خود هستند. آنها خواهان افزایش امنیت خود از راه کاهش عامدانه امنیت دیگر دولت‌ها هستند. در حالی که بر اساس نواقعی‌گرایی تدافعی، دولت‌ها فقط افزایش امنیت را خواستارند و تنها در صورتی

در خارج از مرزهای ملی حضور پیدا کرده و به گسترش نفوذ و قدرت خود اقدام می‌کنند که احساس ناامنی کنند. آنها داوطلبانه از تهدید دولت‌های دیگر خودداری می‌کنند؛ زیرا همکاری را راه حلی جدی می‌دانند. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۴۰ - ۱۲۵) از این رو از منظر نواقح‌گرایی تهاجمی یکی از دلایل و نتایج حمایت ایران از حزب‌الله را می‌توان در قالب هژمونی‌طلبی منطقه‌ای ایران تحلیل نمود.

۱ - ۱. هژمونی‌طلبی منطقه‌ای ایران

از منظر نواقح‌گرایی تهاجمی، تأمین امنیت مطلق ملی جمهوری اسلامی ایران مستلزم کسب حداکثر قدرت و خودمختاری ممکن و نهایتاً هژمونی منطقه‌ای است؛ (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ب: ۴۵) شواهد نیز نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران همواره مبتنی بر برتری‌جویی منطقه‌ای بوده است. (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۵۱)

از این رو، الگوی غالب رفتاری سیاست خارجی ایران، بیش از موازنه‌سازی، بیشینه‌سازی قدرت و امنیت با افزایش سهم خود از توزیع قدرت منطقه‌ای و جهانی به قیمت از دست دادن آن توسط رقبا می‌باشد. از این رو، در چارچوب نواقح‌گرایی تهاجمی، سیاست خارجی ایران نسبت به عراق، فلسطین و لبنان ماهیتی تهاجمی دارد تا تدافعی؛ یعنی ایران در پی استفاده بهینه از موقعیت قدرت خود و افزایش آزادی عمل و امنیتش در منطقه خاورمیانه و بر هم زدن موازنه منطقه‌ای به نفع خود است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۴۸)

نگاه مسلط در غرب و آمریکا در خصوص سیاست‌های ایران در منطقه، این است که ایران درصدد افزایش نقش و نفوذ خود در خاورمیانه از طریق افزایش قدرت نسبی خویش است. در این نگاه، اهداف و راهبردهای ایران تهاجمی، گسترش‌طلبانه و فرصت‌طلبانه و ایدئولوژیک است. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

در دیدگاه نواقح‌گرایی تدافعی روابط ایران با سوریه و حزب‌الله را در جهت تقویت و افزایش قدرت چانه‌زنی برای حفظ امنیت ملی ایران می‌توان ارزیابی نمود. البته نوع روابط ایران با حزب‌الله فراتر از حمایت‌های دوجانبه راهبردی، بر روابط نزدیک فرهنگی ایدئولوژیک نیز مبتنی است که به نوبه خود یک استثنا در روابط ایران با سایر بازیگران و حتی سایر گروه‌های مقاومت مانند حماس محسوب می‌شود. در این وضعیت، حتی عنصر ایدئولوژی نیز به عنوان ابزاری تأثیرگذار در خدمت اهداف واقع‌گرایانه و دفع تهدیدات امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (همان: ۱۴۰ - ۱۲۵)

در حالی که با نگاهی دقیق‌تر به ماهیت روابط ایران و رژیم اسرائیل و تأثیرگذاری متغیر حزب‌الله بر این روابط به خوبی می‌توان دریافت سیاست ایران در مقابل این رژیم مبتنی بر نواقح‌گرایی تهاجمی است نه تدافعی. ایران با عملکردی کنشی خواهان افزایش قدرت و امنیت به بهای کاهش قدرت و امنیت رژیم اسرائیل است و سخن از همکاری امنیتی در این رابطه هیچ جایی ندارد. در این بین حزب‌الله از جایگاه منحصر به فردی، با توجه به روابط استراتژیک با ایران و موقعیت ژئوپلیتیک در هم‌جواری با مرزهای فلسطین اشغالی، برخوردار است.

۲. تأمین و تضمین امنیت و بقا

در نظریه نواقح‌گرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران امنیت‌محور است و کلیه تصمیم‌ها، کنش‌ها و رفتارهای آن را می‌توان برحسب امنیت ملی تبیین و تحلیل کرد. بر این اساس مهم‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأمین و تضمین بقا و امنیت ملی در نظام بین‌الملل آنارشیست است. اهداف ملی دیگر مانند گسترش ایدئولوژی در درجه دوم اولویت سیاست خارجی ایران قرار می‌گیرند؛ چون تأمین این اهداف به تضمین و تأمین میزان کافی از امنیت بستگی کامل دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۵ - ۴۴) با این رویکرد، کارکردهای حزب‌الله در جهت تأمین و تضمین و بقای جمهوری اسلامی ایران در قالب این موارد جای داد: ابزار بازدارندگی، اهرم فشار ایران بر اسرائیل و کاهش‌دهنده تهدیدات آن، افزایش‌دهنده نفوذ منطقه‌ای ایران و موازنه‌سازی.

۲-۱. حزب‌الله ابزار بازدارندگی منطقه‌ای ایران

با دیدگاه نواقح‌گرایی ته‌جامی، حمایت ایران از حزب‌الله را می‌توان در راستای افزایش بازدارندگی منطقه‌ای ایران ارزیابی نمود؛ زیرا به لحاظ وجود خصومت شدید میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، و به تبع ایجاد دشمنی آمریکا با ایران، جمهوری اسلامی ایران همانند هر کشور دیگری می‌بایست از کلیه اهرم‌ها برای تأمین امنیت خود در مرزهای ملی و فراملی استفاده کند. همان‌گونه که آمریکا برای تأمین منافع حیاتی خود ابتدا در منطقه خلیج فارس و اکنون در سراسر خاورمیانه و خصوصاً پیرامون ایران به همراه اسرائیل حضور دارد. از این رو اقدامات ایران در لبنان در مجاورت رژیم اسرائیل از لحاظ منطقی نیز کاری عقلانی است؛ زیرا از یک طرف با توجه به چالش‌های موجود بین ایران و غرب در خصوص مسئله هسته‌ای و تهدیدات روزافزون نظامی آنان علیه ایران مبنی بر مورد هدف قرار دادن تأسیسات اتمی و مراکز حساس ایران و از سوی دیگر اقدامات متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنان برای مقابله با محور مقاومت از طریق به چالش کشیدن امنیت ملی سوریه و عراق در طی چند سال اخیر، یکی از اصلی‌ترین تهدیدهایی که طی سال‌های اخیر متصور بوده، به مخاطره افتادن امنیت نظامی ایران است.

از آنجا که حزب‌الله اهرم قدرت ایران در لبنان است، بایستی رابطه ایران با حزب‌الله حفظ شود؛ زیرا ابزاری برای تأمین امنیت ملی ایران است. حمایت از حزب‌الله باعث افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. همان‌گونه که اسرائیل درصدد افزایش عمق استراتژیک خود است و در این راه اقدام به بستن قراردادهای نظامی با ترکیه می‌کند تا بتواند در همسایگی ایران به پایگاه‌های نظامی ترکیه دسترسی داشته باشد و هر زمانی که خواست تهدیداتش را عملی کند و به بوشهر یا سایر مراکز هسته‌ای و نظامی ایران حمله کند و تهدیدش خیلی توخالی نباشد. به بیان دیگر می‌خواهد به جمهوری اسلامی ایران بفهماند که در پایگاه‌های نظامی نزدیک مرزهای ایران حضور دارد و قادر است این مراکز را تهدید کند. با این نگاه است

که جمهوری اسلامی ایران نیز می‌بایست متقابلاً در پاسخ به اقدامات اسرائیل در کنار مرزهایش، از این فرصت استفاده کند و از روابط نزدیک و حسنه با گروه‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب‌الله که در مجاورت اسرائیل هستند در جهت افزایش عمق استراتژیک خود استفاده کند و از آن به عنوان ابزار بازدارندگی در مقابل اسرائیل بهره بگیرد. این ابزاری است که تمام کشورها از آن استفاده می‌کنند. (مهتدی، ۱۳۸۵: ۱۷۶)

در این جهت است که اگر به ماهیت اسلامی و شیعی نظام سیاسی کنونی ایران توجه گردد و تفسیر فراملی از امنیت در ابتدای انقلاب توسط جمهوری اسلامی ایران نیز مورد ملاحظه قرار گیرد به خوبی می‌توان علت اتخاذ سیاست حمایت ایران از حزب‌الله لبنان را در دهه ۱۳۶۰ شمسی و در زمان تجاوز اسرائیل به لبنان درک نمود. بر این اساس بود که حمایت از این جنبش در زمانی صورت گرفت که در حال رویارویی مستقیم با اسرائیل که دشمن ایدئولوژیک ایران است. نظام سیاسی ایران با اتخاذ این سیاست ضمن افزایش نفوذ خود در میان شیعیان لبنان و اعراب، از طریق حزب‌الله اقدام به مواجهه نزدیک با اصلی‌ترین تهدید منطقه‌ای خود نمود و آتش جنگ را از مرزهای خود دور ساخت. ایران با حمایت از حزب‌الله عرصه امنیت ملی خود را به خارج از مرزهای خود گسترش داد و از این جنبش به منظور جنگ نیابتی خود با اسرائیل و آمریکا سود جسته است.

۲-۲. حزب‌الله اهرم فشار ایران بر رژیم اسرائیل و کاهش دهنده تهدیدات آن

در نگاهی واقع‌گرایانه، امنیت زمانی به وجود می‌آید که کشورها از ابزارهای مناسب برای مقابله با تهدیدهای جدید و کلاسیک برخوردار باشند. (محمدی و مولانا، ۱۳۸۸: ۱۱۷ - ۱۱۶) با این نگاه نیز حزب‌الله از کارکرد مطلوبی برخوردار است که البته این نگاه به امنیت را بیشتر در نواقح‌گرایی تدافعی والت می‌توان دید.

با این رویکرد، باری بوزان معتقد است که سیاست امنیت ملی می‌تواند روی مسائل داخلی متمرکز کرده و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری‌های دولت باشد یا اینکه بر مسائل خارجی تمرکز داشته و با استفاده از منابع ذی‌ربط درصدد کاهش تهدید خارجی برآید. از نظر وی، دولت‌های قوی حتی می‌توانند در مقابل هر گونه مداخله گسترده مقاومت نمایند. این دولت‌ها می‌توانند با استفاده از منابع مختلف، تهدیدات زیادی را نیز تعدیل، جذب یا منحرف کنند. از این‌رو، دیگران نیز برای تهدید آنها چندان وسوسه نمی‌شوند؛ زیرا چنین کاری برای آنها ارزان تمام نمی‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۷ - ۱۳۶)

از این روست که جمهوری اسلامی ایران با انتخاب گزینه دوم، از حزب‌الله لبنان به عنوان یک منبع خارجی تأمین امنیت ملی در برابر تهدید منطقه‌ای اسرائیل استفاده کرده و از هدف‌گیری تهدیدات ناشی از این رژیم و سایر متحدان آن به سوی خویش ممانعت به عمل آورده است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری در لبنان و بر روی حزب‌الله در مجاورت مرزهای اسرائیل، ضمن برخورداری از نفوذ بر این جنبش شیعی در مقابل اسرائیل و در مجاور آن، دارای اهرم تهدیدکننده امنیت ملی این رژیم و تأمین‌کننده مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از آن برای خنثی نمودن تهدیدات آمریکا نیز بهره می‌گیرد. حتی از آن در کاهش و دفع تهدیدات از

سوی اسرائیل و متحدانش علیه متحد استراتژیک خود، یعنی سوریه نیز بهره برده است. علی‌رغم اینکه دستور کار حزب‌الله بسیار ملی‌گرایانه است ولی دستور کار ایران، شیعه‌محوری انقلابی است. شواهد نشان نمی‌دهد که روابط استراتژیک ایران و حزب‌الله در حال قطع شدن باشد. حزب‌الله همچنان نیازمند تسلیحات پیشرفته و بودجه‌های بیرونی است. ایران نیز به اهرم اعمال فشار بر آمریکا و اسرائیل نیازمند است. از این رو هر دو طرف این رابطه را بسیار سودمند یافته‌اند. (آدیس، ۱۳۹۰: ۲۸۲ - ۲۸۱)

۲ - ۳. حزب‌الله افزایش‌دهنده استقلال و آزادی عمل منطقه‌ای ایران

در نظریه نواقح‌گرایی، جمهوری اسلامی از دو طریق برای افزایش امنیت ملی خود تلاش می‌کند. اول، سعی می‌کند تا آزادی عمل یا استقلال خود را حفظ و افزایش دهد؛ یعنی استقلال از سایر کنش‌گران بین‌المللی در این نظام آنارشیک و خودیار، از طریق کاهش و محدود کردن تلاش آنان برای کنترل آزادی عمل در نظام بین‌الملل. دوم، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا امنیت خود را از طریق ایجاد و افزایش نفوذ خود بر کشورهای دیگر حفظ و افزایش دهد. چون امنیت جمهوری اسلامی ایران تنها با بیشینه‌سازی کنترل بر منابع و قدرت ملی‌اش حاصل نمی‌شود، بلکه علاوه بر آن، از طریق تأثیرگذاری بر چگونگی به‌کارگیری قدرت سایر کشورها نیز تأمین و تقویت می‌گردد. این راهبرد به صورت مستقیم با ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن امنیتی پیگیری و عملی می‌شود. از این رو، از منظر هر دو شاخه تهاجمی و تدافعی نواقح‌گرایی، بیشینه‌سازی آزادی عمل و نفوذ، مهم‌ترین و فوری‌ترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۵ - ۴۴) در این راستا ایران با استفاده از حزب‌الله استقلال و آزادی عمل خود را در منطقه افزایش داده است و در مقابل، آزادی عمل بازیگران جبهه مقابل، یعنی رژیم اسرائیل و متحدان آن را در منطقه کاهش داده است.

از این رو باید گفت سیاست خارجی ایران نسبت به حزب‌الله لبنان ماهیتی تهاجمی دارد تا تدافعی. یعنی ایران در پی استفاده بهینه از موقعیت قدرت خود و افزایش آزادی عمل و امنیتش در منطقه خاورمیانه و بر هم زدن موازنه منطقه‌ای به نفع خود است؛ زیرا بر مبنای نواقح‌گرایی تهاجمی، الگوی غالب رفتاری سیاست خارجی ایران، بیش از موازنه‌سازی، بیشینه‌سازی قدرت و امنیت از طریق استفاده از فرصت‌هایی است که جایگاه نسبی قدرتش ایجاد می‌کند. به گونه‌ای که ایران بیش از تلاش برای حفظ موازنه منطقه‌ای و جایگاه نسبی قدرت خود درصدد افزایش سهم خود از توزیع قدرت منطقه‌ای و جهانی به قیمت از دست دادن آن توسط رقبا می‌باشد. (همان: ۴۹)

۲ - ۴. حزب‌الله افزایش‌دهنده نفوذ منطقه‌ای ایران

در حالی که برخی از تحلیل‌گران معتقدند که استفاده از ایدئولوژی، هزینه‌های زیادی را برای ساختار سیاسی ایران ایجاد می‌کند؛ واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئوکالچر در خاورمیانه نشان دهنده این امر است که بهره‌گیری از مؤلفه‌های ایدئولوژیک و کارت شیعی بیشترین مطلوبیت استراتژیک را برای ایران به وجود آورده است.

اهمیت حزب‌الله نیز در امنیت ملی و منافع حیاتی ایران به گونه‌ای است که با توجه به ضرورت حفظ شاخص‌های ایدئولوژیک ایران، امنیت جنبش حزب‌الله و کشورهای مانند سوریه در حوزه منافع حیاتی ایران به شمار می‌روند. (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۷۵ - ۶۹)

از منظر نواقح‌گرایی یکی از فوری‌ترین اهداف سیاست خارجی ایران بیشینه‌سازی آزادی عمل و نفوذ در نظام بین‌الملل است. براین اساس مهم‌ترین هدف و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار است. بقا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز بر مبنای آزادی عمل یا استقلال سیاسی و گسترش نفوذ آن تعیین می‌گردد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۵ - ۲۸۴) از این‌رو سیاست ایران در خصوص حزب‌الله لبنان را می‌توان در راستای تلاش جمهوری اسلامی ایران برای افزایش و ارتقای نقش منطقه‌ای و نفوذ منطقه‌ای و افزایش عمق استراتژیک خود دانست.

با این توصیف از نظر نواقح‌گرایی تهاجمی، حزب‌الله به عنوان عاملی برای افزایش عمق استراتژیک ایران و اهرمی برای تضعیف هر چه بیشتر عمق استراتژیک رژیم اسرائیل محسوب می‌گردد. حمایت ایران از این جنبش در کنار مرزهای شمالی فلسطین اشغالی باعث افزایش عقبه استراتژیک، سیاسی، دفاعی و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران تا هزاران کیلومتر خارج از مرزهای جغرافیایی ایران می‌گردد. این امر با توجه به حضور گسترده اعضا و حامیان حزب‌الله در سراسر جهان، ابزاری استراتژیک (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۴ - ۱۴۳) برای گسترش نفوذ و تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد.

۳. موازنه‌سازی: اتحاد استراتژیک ایران با حزب‌الله

استفن والت به عنوان یک نواقح‌گرایی تدافعی با مطرح کردن نظریه موازنه تهدید معتقد است که دولت‌ها در برابر دولتهایی متحد می‌شوند که بیشترین تهدید را از جانب آنها تصور می‌کنند. از نظر وی اتحاد نیز نوعی رابطه رسمی یا غیررسمی مبتنی بر همکاری امنیتی میان دو یا چند دولت دارای حاکمیت است. از این رو دولت‌ها در مقابل دولتهایی که منشاء بیشترین تهدیدند، متحد می‌شوند؛ زیرا دولت‌ها احساس می‌کنند دولت‌های دیگر موجودیت یا منافع آنها را با تهدید فوری مواجه می‌نمایند. از این‌رو برای موازنه با آنها با یکدیگر متحد می‌شوند. اتحاد استراتژیک آمریکا و اسرائیل در این راستا قابل ارزیابی است. از این رو در تقابل با این اتحاد یکی از راه‌های پیش رو برای دولت‌های متخاصم، روی آوردن به اتحادهای منطقه‌ای و انجام اقدامات تدافعی یا تهاجمی است. (جعفری، ۱۳۸۹: ۴۸ - ۲۳)

با استفاده از نظریه توازن تهدید باید گفت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جنبش حزب‌الله به عنوان یک بازیگر غیردولتی به علت اینکه از جانب اتحاد استراتژیک اسرائیل آمریکا - و سایر متحدانشان - بیشترین تهدید را تصور نموده‌اند حتی موجودیت و منافع سیاسی - امنیتی خود را با تهدید فوری مواجه دیدند و برای موازنه و مقابله با آنها به ایجاد اتحاد و ائتلاف اقدام نموده‌اند. البته در این بین

کشورهای دیگر از جمله سوریه نیز به این اتحاد وارد شده است.

در چارچوب نوواقع‌گرایی تدافعی، الگوی غالب رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی موازنه‌سازی است؛ (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ب: ۴۸) زیرا هر چه قدرت جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایرین افزایش یابد ضریب امنیت ملی آن ارتقا پیدا می‌کند. بر اساس این منطق، ایران اقدام به توازن‌بخشی و موازنه‌سازی درون‌گرا و برون‌گرا می‌کند. در الگوی موازنه‌سازی برون‌گرا، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد چندجانبه‌گرایی دست به ائتلاف‌سازی و اتحادسازی زده و به موازنه‌سازی می‌پردازد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱ الف: ۱۱۴ - ۱۱۳) در این راستا می‌توان گفت اتحاد استراتژیک ایران با حزب‌الله و سوریه که نوعی موازنه‌سازی برون‌گرا است در جهت حصول منافع مشترک سیاسی - امنیتی در منطقه و در سطح نظام بین‌الملل و برای مقابله با تهدیدات ناشی از ائتلاف و اتحادهای طرف مقابل یعنی آمریکا و اسرائیل و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن بوده و هست.

زیرا حزب‌الله یک سازمان چریکی بسیار توانمند است که قادر به انجام اقدامات مؤثر چندجانبه است. حزب‌الله به عنوان سازمان چریکی بسیار قوی، از توانمندی کاملاً مؤثر در استفاده از جنگ نامنظم برخوردار است. (Byman, 2008) نزدیکی بسیار زیاد رابطه حزب‌الله با ایران (به ویژه بعد از بحران سوریه) نیز به حدی است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده علناً از آن به عنوان «مشارکت راهبردی» یاد کرده است. درک این رابطه نیز مستلزم تعهد ایدئولوژیک رهبران و اعضای حزب‌الله به مفهوم ولایت فقیه است. (Levitt, 2013)

با این تحلیل می‌توان گفت رابطه جمهوری اسلامی ایران با حزب‌الله فراتر از یک ارتباط ساده میان یک نظام سیاسی و یک حزب خارجی است؛ زیرا حزب‌الله را نمی‌توان یک حزب در میان مرزهای سیاسی محصور دانست بلکه جریانی است فراگیر، محبوب و با پشتوانه مردمی بالا در لبنان و جهان اسلام و در عین حال قوی‌ترین جنبش در مجاور مرزهای رژیم اسرائیل و در مقابل آن است. این وضعیت به سبب نزدیکی بسیار زیاد استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله در برابر اسرائیل و حمایت جمهوری اسلامی ایران از این جنبش باعث ایجاد رابطه‌ای استراتژیک میان دو طرف شده است. (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

نتیجه

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال بود که چرا جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان حمایت می‌کند؟ برای رسیدن به پاسخ باید گفت که امنیت ملی شامل دو بعد امنیت فیزیکی و امنیت هویتی است.

تحلیل رابطه حزب‌الله با امنیت هویتی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌نگاری نشان داد که چرایی حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله مطابق مبانی بین‌ذهنی تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران به ویژه هویت اسلامی و انقلابی آن بوده است. در این بین یکی از مهم‌ترین دلایل این امر اعتقاد نظری و عملی رهبران و اعضای این جنبش به ولی فقیه و اطاعت محض از آن است. عملکرد حزب‌الله نیز

1. Strategic partnership.

در راستای تقویت و تثبیت این ابعاد امنیت هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران بوده است. نهایتاً این وضعیت منجر به تقویت و تثبیت امنیت هویتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. تحلیل رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه نواقع‌گرایی تهجمی و تدافعی نشان داد که حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله باعث تأمین بعد امنیت فیزیکی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است؛ زیرا حمایت ایران از حزب‌الله در مواجهه با اسرائیل، منافع امنیتی متقابلی برای ایران و حزب‌الله ایجاد نموده است؛ همان‌گونه که اهمیت حفظ ایران برای حزب‌الله حیاتی است نتایج حمایت ایران از حزب‌الله و اقدامات این جنبش با همراهی ایران در طول سه دهه گذشته نیز نمایان‌گر این است که بر اثر این رابطه، مؤلفه‌های فیزیکی امنیت ملی مورد نظر نظریه نواقع‌گرایی از قبیل بیشه‌سازی قدرت، تأمین و تضمین امنیت و بقا و موازنه‌سازی استراتژیک به خوبی برای جمهوری اسلامی ایران تأمین شده است. این وضعیت نشان دهنده این است که الگوی غالب رفتاری جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حزب‌الله نه موازنه‌سازی صرف مورد نظر نواقع‌گرایان تدافعی بوده بلکه بیشتر بیشه‌سازی قدرت منطقه‌ای و امنیت‌سازی مورد نظر نواقع‌گرایی تهجمی بوده است.

از این‌رو، برای تحلیل رابطه حزب‌الله با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لازم است از هر دو نظریه سازه‌نگاری و نواقع‌گرایی استفاده شود. نتایج تحلیل با استفاده از این دو نظریه به ترتیب نشان‌دهنده تأمین امنیت هویتی و امنیت فیزیکی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در اثر این حمایت از حزب‌الله و تأیید فرضیه مقاله است. تحلیل سیاست امنیتی ایران در خصوص حزب‌الله نشان می‌دهد این ارتباط استراتژیک در شرایط فعلی حاکم بر منطقه نیز که تحركات گروه‌های سلفی در سوریه و عراق که از پشتیبانی اتحاد غربی - عبری - عربی برخوردار می‌باشند و خواستار تزلزل در محور مقاومت هستند، شدت گرفته موجب تقویت هر چه بیشتر امنیت هویتی و امنیت فیزیکی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و متحدانش و در مقابل کاهش هر چه بیشتر ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی و متحدانش خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. آدیس، کیزی. ال. ۱۳۹۰، «لبنان، پیشینه و روابط با آمریکا»، در: حزب‌الله لبنان؛ سیاست، قدرت و اقتدار، موسوی، سیدحسین و عسگر قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. آقائی، سیدداود و الهام رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰، «تأثیر انقلاب اطلاعات بر امنیت ملی از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳.
۳. احتشامی، انوشیروان، ۱۳۷۸، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۴. استیل، برنت. جی، ۱۳۹۰، *امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل*، تهران، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. برزگر، کیهان، ۱۳۸۸، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره اول.
۶. بوزان، باری، ۱۳۷۸، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران، مترجم و ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. بیلیس، جان، ۱۳۹۲، «امنیت جهانی و بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد»، در: *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، بیلیس، جان و استیو اسمیت، جلد اول، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۸. جعفری، علی اکبر، ۱۳۸۹، *منافع استراتژیک و اتحاد آمریکا - اسرائیل*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. جوادی‌ارجمند، محمدجواد و ام‌البنین چابکی، ۱۳۸۹، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۱.
۱۰. حجار، صامی، ۱۳۹۰، «گسترش حزب‌الله»، در: *حزب‌الله لبنان؛ سیاست، قدرت و اقتدار*، موسوی، سیدحسین و عسگر قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰. قابل دسترسی در سایت اینترنتی: khamenei.ir.
۱۲. دان، تیم و برایان اشمیت، ۱۳۹۲، «رئالیسم»، در: *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، بیلیس، جان و استیو اسمیت، جلد اول، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۰، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲.
۱۴. _____، ۱۳۸۸، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره ۱.
۱۵. _____، ۱۳۹۱ الف، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
۱۶. _____، ۱۳۹۱ ب، «نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و ششم، شماره ۱.
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزه رادفر، ۱۳۸۸، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت دهم»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال ششم، شماره ۱.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و پیمان وهاب‌پور، ۱۳۹۲، *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۹. رسولی ثانی آبادی، الهام، ۱۳۹۱، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
۲۰. گلشنی، علیرضا و محسن باقری، ۱۳۹۱، «جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال چهارم، شماره ۱۱.
۲۱. لمی، استیون. ال، ۱۳۹۲، «رویکردهای معاصر و جدید: نورث‌الیسم و ثولیرالیسم»، در: بلیس، جان و استیو اسمیت، *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، جلد اول، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۲۲. ماندل، رابرت، ۱۳۷۹، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، مترجم و ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی، ۱۳۹۰، *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه مفید.
۲۴. محمدنیا، مهدی، ۱۳۹۳، «سازه‌نگاری کلی‌گرا؛ یک رهیافت جامع برای توضیح رفتارهای سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۸.
۲۵. محمدی، منوچهر و سیدحمید مولانا، ۱۳۸۸، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران، نشر دادگستر.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۵، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، در: *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مصفا، نسرين و حسين نوروزی، تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۷. مک دونالد، مت، ۱۳۹۰، «برسازی»، در: *درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ویلیامز، پل. دی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، امیرکبیر.
۲۸. المن، کالین، ۱۳۹۰، «واقع‌گرایی»، در: *درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ویلیامز، پل. دی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، امیرکبیر.
۲۹. مرشایمر، جان، ۱۳۸۸، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۰. مهتدی، محمدعلی، ۱۳۸۵، «تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران»، در: *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مصفا، نسرين و حسين نوروزی، (گردآورنده)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۱. والتز، کنت. نیل، ۱۳۹۲، *نظریه سیاست بین‌الملل*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده و داریوش یوسفی، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۷۱ □ بررسی رابطه حزب‌الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ...

۳۲. ونت، الکساندر، ۱۳۹۲، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۳۳. هزران، یوسی، ۱۳۹۰، «شیعیان در لبنان: از حاشیه تا مرکز»، در: *حزب‌الله لبنان؛ سیاست، قدرت و اقتصاد*، موسوی، سیدحسین و عسگر قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۴. یاقوتی، محمدمهدی، ۱۳۹۰، «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۱.

35. Levitt, Matthew, 2013, *The Hezbollah Connection in Syria and Iran*, February 15:
<http://www.cfr.org/iran/hezbollah-connection-syria-iran/p30005>

36. Byman, Daniel. L, 2008, *Hezbollah: Most Powerful Political Movement in Lebanon*,
May 29:
www.cfr.org/lebanon/hezbollah-most-powerful-political-movement-lebanon/p16378



